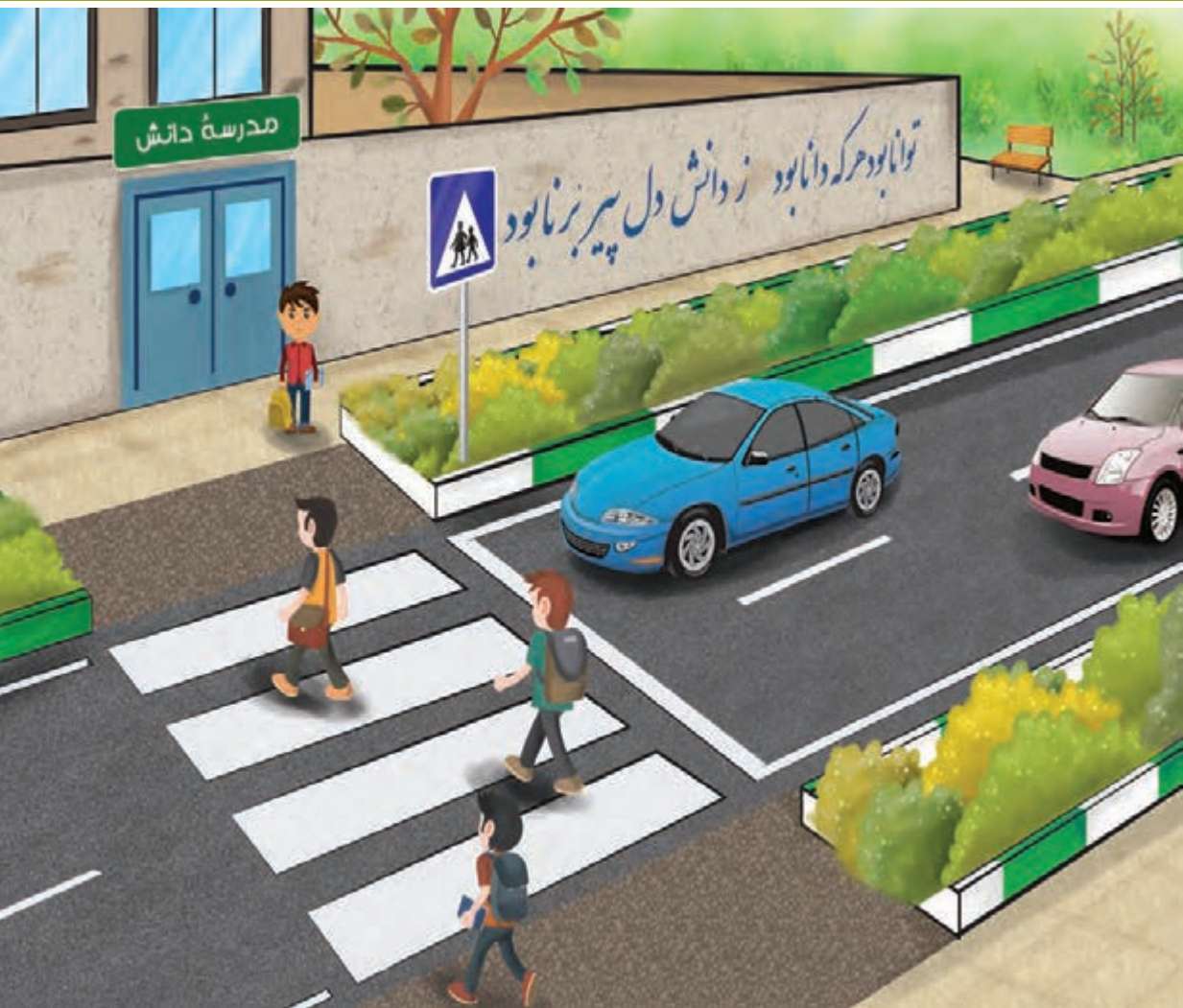




الدَّرْسُ الثَّانِي



الْعُبُورُ الْأَمِينُ



الدَّرْسُ الثَّانِي

الْمُعْجَم: (٢٩ كلمة جديد)

الأمین: امن/ ایمن

پوشاند، پنهان کرد	ف ماضی سَتَرَ:	ایمان می آورد (مضارع: يُؤْمِنُ)	ف ماضی أَمَنَ:
شارژر موبایل	شاحِنُ الْجَوَالِ:	محبوب ترین	أَحَبُّ:
بدبختی متضادش سَعَادَة: خوشبختی	شَقَاوَة:	علامت های راهنمایی و رانندگی	إِشَارَاتُ الْمُرُورِ:
روزنامه ها روزنامه «جمع: صُخْف» صَحِيفَة جِدَارِيَّة: روزنامه دیواری	صَحِيفَة:	إِدَارَة الْمُرُورِ: اداره راهنمایی و رانندگی مُرُور: گذر کردن	مفردش إِشَارَة
برخورد کرد (مضارع: يَصْدِمُ)	ف ماضی صَدَمَ:	اندرزگوترین	أَنْصَحَ:
ناگهان مترادفش بَغْتَة: ناگهان	فَجَاءَة:	آیا امکان دارد برگردی؟	ف مضارع أَيُمْكِنُ أَنْ تَرْجِعَ:
زشتی متضادش جمال: زیبایی	قُبْح:	گریه کردن، گریه	بُكَاء:
قطعا	لَقَدْ:	بعدی الْيَوْمُ التَّالِي: روز بعد	تالي:
برای چه (ل + ما)	لِمَ:	به من می دهی أَنْ تُعْطِيَنِي: که به من بدهی	تُعْطِيَنِي:
آنچه	مَا:	بفرما	تَفَضَّلْ:
مغازه «جمع: مَحَلَّات»	مَحَلَّ:	صحبت می کند صحبت کرد (مضارع: يَتَكَلَّمُ)	ف ماضی تَكَلَّمَ:
متأسفانه	مَعَ الْأَسْفِ:	جهت (مسیر)	جَهَة:
صدا می زند صدا زد (مضارع: يَنَادِي)	ف ماضی نَادَى:	باهوش	ذَكِي:
آرام	هَادِي:	شارژ (اعتبار مالی)	رَصِيد:
می بندند بست بست (ماضی: سَدَّ / مضارع: يَسُدُّ)	ف مضارع يَسُدُّونَ:	بستری شد، خوابید (مضارع: يَرْقُدُ)	رَقَدَ:
		بستری می شود/میخوابد	مترادفش نام: خوابید

عبور ایمن

الْعُبُورُ الْأَمِنُ

رَجَعَ سَجَادٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ حَزِينًا؛ عِنْدَمَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ مَعَ أُسْرَتِهِ، بَدَأَ

سجاد از مدرسه با ناراحتی بازگشت؛ زمانی که با خانواده‌اش بر سر سفره نشست

بِالْبُكَاءِ فَجَاءَهُ وَ ذَهَبَ إِلَى عُرْفَتِهِ؛ ذَهَبَ أَبُوهُ إِلَيْهِ وَ تَكَلَّمَ مَعَهُ وَ سَأَلَهُ:

شروع به گریه کرد و به اتاقش رفت؛ پدرش نزد او رفت و با او صحبت کرد و از او پرسید

«لِمَاذَا مَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ؟!»

«اجرا غذا نخوردی؟»

أَجَابَ: «هَلْ تَعْرِفُ صَدِيقِي حُسَيْنًا؟»

جواب داد: آیا دوستم حسین را میشناسی؟

قَالَ: «نَعَمْ، أَعْرِفُهُ؛ هُوَ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَهَادِيٌّ. مَاذَا حَدَّثَ لَكَ؟»

گفت: بله؛ او را میشناسم؛ او پسر باهوش و آرامی است. چه اتفاقی برایش افتاده است؟

أَجَابَ سَجَادٌ: «هُوَ رَقِدَ فِي الْمُسْتَشْفَى؛ صَدَمَتْهُ سَيَّارَةٌ؛ وَقَعَتْ الْحَادِثَةُ أَمَامِي؛ عِنْدَمَا

سجاد پاسخ داد: او در بیمارستان بستری شد؛ با ماشین تصادف کرد؛ تصادف جلوی من اتفاق افتاد؛ هنگامی که

شَاهَدْتُهُ عَلَى الرَّصِيفِ الْمُقَابِلِ؛ نَادَيْتُهُ؛ فَقَصِدَ الْعُبُورَ بِدُونِ النَّظَرِ إِلَى السَّيَّارَاتِ

او را در پیاده رو دیدم، صدایش کردم. بدون نگاه کردن به ماشینها و قصد عبور

وَ مِنْ عَنَرٍ مَمَرٍ الْمَشَاةِ؛ فَقَرَّبَتْ مِنْهُ سَيَّارَةٌ وَ صَدَمَتْهُ. كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ كَثِيرَةً.»

از غیر گذرگاه پیاده (خیابان) کرد؛ ماشینی به او نزدیک شد و با او برخورد کرد. سرعت ماشین زیاد بود

قَالَ أَبُوهُ: «كَيْفَ حَالُهُ الْآنَ؟»

پدرش گفت: «حالا حالش چطور است؟»

قَالَ سَجَادٌ: «هُوَ مَجْرُوحٌ.»

«سجاد گفت « او زخمی است»

فِي الْيَوْمِ التَّالِيِ طَلَبَ الْمُدْرَسُ مِنْ تَلَامِيذِهِ كِتَابَةَ قَوَانِينِ الْمُرُورِ وَ رَسْمَ

در روز بعد معلم از دانش آموزها نوشتن قوانین راهنمایی و رانندگی و رسم کردن

إِشَارَاتِ الْمُرُورِ فِي صَحِيفَةِ جِدَارِيَّةٍ وَ رِعَايَةَ الْأَعْمَالِ الصَّحِيحَةِ فِي الشُّوَارِعِ وَالطَّرِيقِ.

علامت های راهنمایی و رانندگی در روزنامه دیواری و رعایت اعمال صحیح در خیابان ها و راهها را خواست

ثُمَّ أَخَذَ الْمُدِيرُ تَلَامِيذَ الْمَدْرَسَةِ إِلَى مِنتَقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ.

سپس مدیر دانش آموزان را به منطقه آموزش راهنمایی و رانندگی برد

وَ بَعْدَ يَوْمَيْنِ جَاءَ شَرْطِيُّ إِلَى الْمَدْرَسَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْمُرُورِ لِشَرْحِ إِشَارَاتِ الْمُرُورِ وَ طَلَبَ

و بعد از دو روز پلیسی از سوی اداره راهنمایی و رانندگی برای توضیح دادن علامت های راهنمایی و رانندگی به مدرسه آمد

مِنْهُمْ الْعُبُورَ مِنْ مَمَرٍ الْمَشَاةِ.

و از آنها عبور از گذرگاه پیاده را خواست

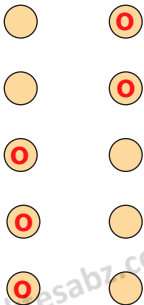
كَتَبَ التَّلَامِيذُ صَحِيفَةَ جِدَارِيَّةً وَ رَسَمُوا فِيهَا عِلَامَاتِ الْمُرُورِ وَ شَرَحُوا مَعَانِيهَا.

دانش آموزان یک روزنامه دیواری نوشتند و در آن علائم راهنمایی و رانندگی را رسم و نقاشی کردند و معنی هر کدام را شرح و توضیح دادند



درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس متن درس بنویسید.

درست نادرست



۱. كَانَ مَوْضِعُ الصَّحِيفَةِ الْجِدَارِيَّةِ قَوَانِينِ الْمُرُورِ.
موضوع روزنامه دیواری قوانین راهنمایی و رانندگی بود.
۲. الْمُدِيرُ أَخَذَ التَّلَامِيذَ إِلَى مَنطِقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ.
مدیر دانش آموزان را به منطقه آموزش راهنمایی و رانندگی برد.
۳. رَقَدَ حَسِينٌ فِي مُسْتَوَافٍ قَرِيبٍ مِّنْ بَيْتِهِ.
حسین در درمانگاه نزدیک خانه اش بستری شد.
۴. رَجَعَ سَجَادٌ إِلَى مَنزِلِهِ مَسْرُورًا.
سجاد به منزلش خوشحال برگشت.
۵. أَبُو سَجَادٍ مَا عَرَفَ حَسِينًا.
پدر سجاد حسین را نشناخت.

نکته مهم: برای یافتن وزن کلمات سه حرف اصلی فعل را مشخص می کنیم و به جای آنها به ترتیب حروف **ف عدل** قرار می دهیم و مابقی حروف و حرکات را دست نمی زنیم و در جای خود باقی می ماند

مثال: ناصِر ← فاعِل به جای حروف اصلی ناصر که ن ص ر است به ترتیب ف عدل گذاشتیم و وزنش به دست آمد

وزن و حروف اصلی



۱. بسیاری از کلمه ها در عربی سه حرف اصلی دارند؛ مثال:

حروف اصلی	کلمات هم خانواده
ح ك م	حَاكِم، مَحْكُوم، حَكِيم، حِكْمَة، مُحَاكِمَة، حُكُومَة، أَحْكَام
ع ل م	عَالِم، مَعْلُوم، عَلِيم، تَعْلِيم، أَعْلَم، عُلُوم، إِعْلَام

در کلماتی مانند «حاکم، محکوم، حکیم و...» سه حرف «ح ک م» به ترتیب تکرار شده اند.

به این سه حرف «حروف اصلی» یا «ریشه» کلمه می گویند.

شناختن حروف اصلی به املائی ما کمک می کند. با نگاه به هم خانواده های یک کلمه می توان به حروف اصلی آن پی بُرد؛ اگر با دقت به این کلمه ها «مَجَالِسَة / مَجَالِس / مَجْلِس / إِجْلَاس / جُلُوس / جَلْسَة / جَلِيس» نگاه کنیم؛ درمی یابیم که به ترتیب سه حرف «ج ل س» در آنها مشترک است.

سه حرف اصلی این کلمات چیست؟

رافِع، مَرْفُوع، رَفِيع: **ر ف ا ع**

ناظِر، مَنظُور، تَظِير: **ن ظ ر**

قادر، مَقْدُور، قَدِير: **ق د ر**

حروفی که همراه حروف اصلی می‌آیند؛ «حروف زائد» نامیده می‌شوند.
این حروف معنای جدیدی به کلمه می‌دهند.
حروف اصلی کلمه‌ها به ترتیب با سه حرف «**ف ع ل**» سنجیده می‌شوند.

مُجَالَسَة	↔	س	ل	ا	ج	م
↕↕↕						
مُفَاعَلَة	↔	ل	ع	ا	ف	م

۲. بیشتر کلمات در زبان عربی وزن دارند؛ مثال:

وزن	کلمات
فَاعِل	نَاصِر عَارِفٍ ظَالِمٍ فَاتِحٍ قَاتِلٍ ضَارِبٍ رَافِعٍ
مَفْعُول	مَنْصُورٌ مَعْرُوفٌ مَظْلُومٌ مَفْتُوحٌ مَقْتُولٌ مَضْرُوبٌ مَرْفُوعٌ

کدام کلمه بر وزن فاعِل و کدام بر وزن مَفْعُول است؟

مَقْطُوع، حَامِد، عَابِد، مَذْكَور
مَفْعُول فاعِل فاعِل مَفْعُول

با معنای دو وزن «فَاعِل» و «مَفْعُول» آشنا شوید.

معمولاً وزن «فَاعِل» به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و وزن «مَفْعُول»

به معنای «انجام شده» است؛ مثال:

حامد: ستاینده

مَحْمُود: ستوده شده

ترجمه کنید.

یا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، یا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ!

ای سازنده هر ساخته شده ای ، ای آفریننده هر آفریده شده ای

التَّمَارِينُ

۱ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ

حروف اصلی و ترجمه کلمات زیر را بنویسید.

عابد، مَعْبُود:	ع ب د	عبادت کننده	عبادت شونده
فاتح، مَفْتُوح:	ف ت ح	گشاینده	گشوده شده
کاتب، مَكْتُوب:	ک ت ب	نویسنده	نوشته شده
ضارب، مَضْرُوب:	ض ر ب	زنده	زده شده
خادم، مَخْدُوم:	خ د م	خدمت کننده	خدمت شده
شاهد، مَشْهُود:	ش ه د	مشاهده کننده	مشاهده شده

۱- بخشی از دعای جوشن کبیر

۲ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

وزن کلمات جدول را بنویسید^۱.

ریشه	ماضی	مضارع	مصدر
خ ر ج	أَخْرَجَ	يُخْرِجُ	إِخْرَاجٌ
	أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	إِفْعَالٌ
س ل م	سَلَّمَ	يُسَلِّمُ	تَسْلِيمٌ
	فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	تَفْعِيلٌ
ع م ل	تَعَامَلَ	يَتَعَامَلُ	تَعَامُلٌ
	تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعُلٌ
ع ل م	تَعَلَّمَ	يَتَعَلَّمُ	تَعَلُّمٌ
	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعُّلٌ
خ د م	اسْتَحْدَمَ	يَسْتَحْدِمُ	اسْتِخْدَامٌ
	اسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اسْتِفْعَالٌ
س ف ر	سَافَرَ	يُسَافِرُ	مُسَافِرَةٌ
	فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	مُفَاعَلَةٌ
ك س ر	انْكَسَرَ	يَنْكَسِرُ	انْكِسَارٌ
	انْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	انْفِعَالٌ
ش غ ل	اشْتَغَلَ	يَشْتَغِلُ	اشْتِغَالٌ
	اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	اِفْتِعَالٌ

به جای سه حرف اصلی (ریشه) ف ع ل قرار می دهیم

۱- قابل توجه دبیر گرامی: هدف، آموزش فعل‌های ماضی و مضارع و نیز مصدر ثلاثی مزید نیست.

۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

هر کلمه را به عبارت مرتبط با آن وصل کنید.

قواعد عبور و مرور در خیابان ها و پراه ها	قوانین راهنمایی و رانندگی
قواعد المُرورِ فِي الشَّوَارِعِ وَ الطَّرِيقِ.	1. قَوَانِينُ المُرورِ
کاغذ هایی که در آن اخبار و اطلاعات دیگری است	بیمارستان
أوراقٌ فِيهَا أخبارٌ وَ مَعْلوماتٌ أُخْرَى.	2. المُسْتَشْفَى
سمتی از خیابان برای عبور و مرور مردم	پیداده رو
جانِبٌ مِنَ الشَّارِعِ لِمُرورِ النَّاسِ.	3. الرَّرْصِيفِ
مکانی مجهز برای معاینه کردن بیماران	روزنامه
مَكَانٌ مَجْهَظٌ لِفَحْصِ المَرَضَى.	4. الصَّحِيفَةُ
جاری شدن اشک از ناراحتی	گریه کردن
جَرِيانُ الدَّموعِ مِنَ الحُزَنِ.	5. البُكاءُ

۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

جاهای خالی را با کلمات داده شده پُر کنید.

هو - هما - هم - هي - هن - أنت - أنتما - أنتم - أنتِ - أنثن - أنا - نحن

	أنا	من	اول شخص مفرد
	أنتِ	تو	دوم شخص مفرد
	هي	او	سوم شخص مفرد
	نحن	ما	اول شخص جمع
	أنتما	شما	دوم شخص جمع
	هما	ایشان	سوم شخص جمع

۵. التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

در جاهای خالی از کلمات داده شده استفاده کنید. «یک کلمه اضافه است.»

بعدي ديوارى شارژر دانش آموز اشک ها اتفاق افتاد
التالي - جدارية - شاحن - تلميذ - الدموع - حدث

۱. يا زميلي، ما بك؟ لِمَ أَنْتَ حَزِينٌ؟ ماذا **حَدَثَ**؟
ای همکلاسیم چت شده؟ برای چه تو غمگینی؟ چه اتفاقی افتاده؟

۲. التَّلَامِيذُ مَشْغُولُونَ بِتَهْيِئَةِ صَحِيفَةِ **الجدارية**.
دانش آموزان به تهیه روزنامه دیواری مشغول هستند

۳. أخي **تلميذ** في الصفِّ السَّادِسِ الإبتدائيِّ. برادرم در کلاس ششم ابتدایی دانش آموز است

۴. **الدموع** جارية على وجهِ الطِّفْلِ. اشکها بر صورت کودک جاری است

۵. هل عندَكَ **شاحن** الهاتفِ الجوّالِ؟ آیا شارژر تلفن همراه داری؟

۶. التَّمْرِينُ السَّادِسُ:

کدام کلمه از نظر معنا با سایر کلمه‌ها «ناهمانگ» است؟

- | | | | | | | | | | |
|----------|---|--------|---|---------|---|------------|---|----------|---|
| ۱. هادئٌ | ○ | سيارةٌ | ○ | ماشين | ○ | كشتى | ○ | هوایما | ○ |
| ۲. شارعٌ | ○ | ساحةٌ | ○ | ميدان | ○ | انگشتر | ○ | بياده رو | ○ |
| ۳. أكَلٌ | ○ | رأى | ○ | دید | ○ | مشاهده کرد | ○ | نگاه کرد | ○ |
| ۴. ماءٌ | ○ | شرابٌ | ○ | نوشيدنى | ○ | جای | ○ | همسايه | ○ |
| ۵. يدٌ | ○ | لسانٌ | ○ | زبان | ○ | دندان | ○ | صدا زد | ○ |



آیه و احادیث زیر را ترجمه کنید. سپس کلماتی بر این وزن‌ها در آنها بیابید.

فَاعِلٌ: **عَالِمٌ** يَفْعَلُ: **يَسْتُرُ** فَعَالَةٌ: **شَقَاوَةٌ**
فَعْلٌ: **عِلْمٌ** فِعَالٌ: **عِبَادٌ**

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ أَلْفَاظٍ: ۳۸

همانا خداوند به غیب آسمانها و زمین آگاه است

۲. حُسْنُ الْأَدَبِ **يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ**. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ادب نیک، زشتی نسب را میپوشاند

۳. إِنَّ **أَحَبَّ** عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ **أَنْصَحُهُمْ** لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

محبوب ترین بندگان خدا نزد وی اندر زگوترین آنها برای بندگان است

۴. شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْأَصْلِ وَالنَّسَبِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

شرف انسان به علم و ادب است نه اصل و نسب

۵. مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَمِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

از خوشبختی انسان خوش اخلاقی

و از بدبختی انسان بد اخلاقی است



متن زیر را بخوانید؛ سپس پاسخ پرسش‌های آن را بیابید.

أَنَا طَالِبٌ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ. اسْمِي إِسْحَاقُ. لِي أُخْتَانِ: مَهْدِيمُ وَ لَالِينُ، هُمَا صَغِيرَتَانِ؛
 من دانش آموزی در کلاس نهم هستم. اسمم اسحاق است دوخواهر دارم مهدیم و لالین آنها کوچک (بچه) هستند
 فَلَا تَذْهَبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ عِنْدِي أَخَوَانِ: هَاشِمٌ وَ جَوَادُ. هَاشِمٌ أَكْبَرُ أَوْلَادِ الْإِسْرَةِ؛
 که به مدرسه نمی روند و دو تا برادر دارم هاشم و جواد هاشم بزرگترین فرزندان خانواده است
 إِنَّهُ تَخْرُجُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَ الْآنَ هُوَ حَلْوَانِيٌّ. جَوَادُ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ. نَحْنُ مِنْ
 او از مدرسه فارغ التحصیل شده است و الان او شیرینی فروش است جواد در کلاس هفتم است ما از
 مَدِينَةِ «سَرَاوَانِ» فِي مَحَافِظَةِ «سَيْسْتَانِ» وَ بَلُوچِسْتَانِ».
 شهر سروان در استان سیستان و بلوچستان هستیم

۱. لماذا لا تَذْهَبُ مَهْدِيمُ وَ لَالِينُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟

برای چه مهدیم و لالین به مدرسه نمی روند

۲. مَا اسْمُ أَكْبَرِ الْبَنِينَ فِي هَذِهِ الْإِسْرَةِ؟

اسم بزرگترین پسر در این خانواده چیست؟

۳. مَنْ تَخْرُجُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟

چه کسی از مدرسه فارغ التحصیل شده است؟

۴. مَنْ مِنْ أَيْنِ هَذِهِ الْإِسْرَةُ؟

این خانواده از کجاست؟

۵. فِي أَيِّ صَفِّ إِسْحَاقُ؟

اسحاق در کدام کلاس است؟

۶. كَمْ أُخْتًا لِإِسْحَاقُ؟

اسحاق چند خواهر دارد؟

لأنهما صغيرتان

هاشم

هاشم

من محافظة سيستان و بلوچستان

في الصف التاسع

أختان



نور السَّمَاءِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ الْبَقَرَة: ۶۲

هر کس به خدا و روز آخرت ایمان داشت ه باشد و کار شایسته انجام دهد پس اجرشان را نزد پروردگارشان دارند

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ الْصَّف: ۲

ای کسانی که ایمان آوردید برای چه می گوئید آنچه را که انجام نمی دهید

۳. ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ الْأَحْزَاب: ۲۱

قطعا برای شما در (رفتار) رسول خدا الگو و سرمشقی نیکو است

۴. ﴿إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ﴾ الْبَقَرَة: ۱۸۶

هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند (بگو): همانا من نزدیکم

۵. ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ﴾ الْمَجَادَلَة: ۱۱

خداوند از شما کسانی که ایمان آوردند را بالا می برد



یک روزنامہ دیواری دربارهٔ معانی علائم راهنمایی و رانندگی به عربی، فارسی و انگلیسی تهیه کنید.



الأربعينيات

- لا بَأْسَ. اشكالی ندارد

- نَعَمْ؛ تَفْضُلًا. بله بفرما

- نَعَمْ. بله

- خَلَفَ هَذَا الْبِنَاءِ. پشت این ساختمان

- لا، مَعَ الْأَسْفِ. خیر متأسفانه

- لا بَأْسَ. أَنَا فِي خِدْمَتِكَ.

اشكالی ندارد. من در خدمتت هستم

- عَلَى الْيَمِينِ. در سمت راست

- هَذِهِ الْجِهَةُ، عَلَى الْيَسَارِ.

این سمت، به طرف چپ

- مِنْ ذَلِكَ الْمَحَلِّ. از آن مغازه

- تَفْضُلًا. بفرما

- أَيْ يُمَكِّنُ أَنْ تَرْجِعَ قَلِيلًا؟

آیا امکان دارد که یکم برگردی

- عَفْوًا؛ أَمْ تُعْطِينِي مَكَانًا حَتَّى أَجْلِسَ هُنَا؟

بیخشید. آیا جایی به من می دهی تا اینجا بنشینم؟

- هَلْ يَسُدُّونَ بَابَ الْحَرَمِ هَذِهِ اللَّيْلَةَ؟

آیا در حرم را امشب می بندند؟

- عَفْوًا أَيْنَ مَوْقِفِ سَيَّارَاتِ الْحَرَمِ؟

بیخشید. ایستگاه ماشین های حرم کجاست؟

- هَلْ تَوْجَدُ سَيَّارَاتٌ لِلْعَتَبَةِ لِلذَّهَابِ إِلَى سَامِرَاءَ؟

آیا در استانه ماشین هایی برای رفتن به سامرا پیدا می شود؟

- أَيْ يُمَكِّنُ أَنْ تُسَاعِدَنِي؟

آیا امکان دارد که بهم کمک کنی؟

- أَيْنَ الْحَرَمِ؟

حرم کجاست؟

- أَيْ جِهَةً بِلَا اِزْدِحَامٍ؟

کدام سمت شلوغ نیست؟

- مِنْ أَيْنَ أَشْتَرِي شَاحِنَ الْجَوَالِ؟

از کجا شارژر موبایل بخرم؟

- أَيْ يُمَكِّنُ أَنْ تُعْطِينِي شَاحِنَ الْجَوَالِ؟

آیا امکان دارد که شارژر موبایل بهم بدی؟